

در جست و جوی کتاب از دست رفته

راهی ساده برای پاس داشتن هفته کتابخوانی

مریم رحیمی پور
دبیر ادبیات



«حالا برای هفته کتابخوانی چی کار کنیم؟» جمله‌ای است که در هر مدرسه‌ای از اوایل آبان شنیده می‌شود، برای هفته کتابخوانی می‌توان لیستی از کارهای کلیشه‌ای و تکراری تا کارهای پرزحمت و مفصل تهیه کرد؛ اما در این مطلب می‌خواهیم یک برنامه جذاب و کم‌زحمت برای هفته کتابخوانی را به شما معرفی کنیم تا بدون هیچ فشار و استرسی به اهداف مطلوب خود برسید.

مواد لازم: مقداری دانش‌آموز خوشحال (که چند تایی شان کتابخوان باشند.)
چند تکه کاغذ

مراحل کار: یکی از کاغذها را بردارید و چند عنوان از کتاب‌هایی را که به نظرتان دانش‌آموزها پتان می‌شناسند، لیست کنید. سعی کنید کتاب‌ها در ژانرهای متنوع باشند. (تعداد عناوین کتاب‌ها به دلخواه خودتان است، بسته به امکانات و میزان دانش‌آموزها می‌تواند ۱۰ یا ۱۰۰ تا باشد.)

برای هر کدام از عنوان‌های کتاب، یک سؤال طرح کنید که جوابش اسم کتاب باشد. (مثلاً سؤال «کتابی که در تعدادی نامه، داستان زندگی یک دختر یتیم را تعریف می‌کند.» که جوابش «بابا لنگ دراز» است.)

سؤال‌ها را شماره‌گذاری کنید و در برگه‌های کوچک بنویسید و در نقاط مختلف مدرسه بچسبانید. برای جذاب‌تر شدن می‌توانید برگه‌های سؤال را جوری پنهان کنید که بچه‌ها برای پیدا کردنش حسابی به زحمت بیفتند.
برگه‌های پاسخ‌نامه تهیه کنید. در پاسخ‌نامه فقط شماره سؤال‌ها را بنویسید و به دست بچه‌ها بدهید. از آنها بخواهید سؤال‌ها را از گوشه‌ها و کنار مدرسه پیدا کنند و پاسخ هر کدام را که اسم یک کتاب است در مقابل شماره سؤال خود بنویسند.

می‌توانید مسابقه را چند مرحله کنید که جذاب‌تر بشود. مثلاً ده سؤال اول مرحله یک، ده سؤال دوم مرحله دو و الی آخر.
برای جذاب‌تر شدن بازی خودتان جلو بیاوید و جوایز بدهید و اگر بچه‌ها جواب را نمی‌دانستند راهنمایی‌های کوچک بکنید.

می‌توانید مسابقه را به اندازه کل هفته کتابخوانی کش بدهید، بچه‌ها دور مدرسه به دنبال سؤال‌ها می‌چرخند و شلوغ می‌کنند و خوش می‌گذرد و این وسط با چندین عنوان کتاب خوب هم آشنا می‌شوند، کتاب‌هایی که برای پیدا کردن نام هر کدام حسابی زحمت کشیدند!

یک پرورشگاه جدید

ادامه داستان بابا لنگ دراز

ثنا احتشام سرشت
یازدهم آسانی



مثبت کتاب به شمار می‌رود. در ابتدای هر نامه مکانی که نامه در آن نوشته شده به همراه روز و ساعت، قید شده است، مثلاً: «دفتر سرپرست نوانخانه» یا «ووستر، ماساچوست» که در کنار هم از انسجام خوبی برخوردارند و با اینکه کتاب متشکل از نامه‌های پراکنده و جدا است، ذهن خواننده هرگز آشفته نمی‌شود. از ویژگی‌های اصلی و محتوایی کتاب که بگذریم، با توجه به اینکه من کتاب راز نشرافق خواننده بودم، طراحی جلد گل‌گلی‌اش مثل سایر آثار «عاشقانه‌های کلاسیک» جذاب و زیبا بود. اما بزرگترین ایراد آن که از نظر من قابل چشم‌پوشی نیست، خلاصه پشت کتاب است که به شکلی نوشته شده که فرصت اکتشاف را از مخاطب سلب می‌کند و بخش تقریباً مهمی از داستان را آشکار می‌سازد. در کل می‌توانم بگویم با اینکه ماجرای ابوت و نامه‌هایش به بابا لنگ دراز را بیشتر از سالی مک براید و دشمن عزیز می‌شناسیم، اما به نظر من حتی اگر بخوایم این دو اثر را با یکدیگر مقایسه کنیم، دشمن عزیز در برابر بابا لنگ دراز چیزی کم ندارد و سالی مک براید هم با روحیه پرشور و هیجان خودش، زاویه دید زیباییش به زندگی و مقوله عشق و احساسات مادرانه و مسئولیت‌پذیری‌ای که در برابر کودکان یتیم دارد، می‌تواند شخصیتی تأثیرگذار و ماندگار در ذهن خوانندگان باشد. «در زندگی انسان، همیشه دماغه‌ای مثل دماغه هورن (محل خیزش تندبادها و امواج سهمگین) وجود دارد که یا به سلامت از آن می‌گذرد یا از پای می‌افتد»

احساسات قوی سالی باشد. او به نحوی اتفاقات را برای مخاطبان در نامه‌ها تعریف می‌کند و شخصیت رک، سرزنده و اجتماعی‌اش را به طور شفاف نشان می‌دهد، که خواننده قطعاً لذت می‌برد و در بسیاری از مواقع با او همذات‌پنداری می‌کند. او حتی شخصیت‌پردازی‌ها را، دقیق در نامه‌هایش انجام داده و در این بخش هم از عواطف شخصی‌اش بهره می‌برد. مثلاً درباره اعضای هیأت امنای می‌گوید که شبیه سیم‌های ویلون‌اند و نباید با آنها محکم برخورد کرد، یا گرترو کوچولو چشم‌های چپ‌درد که با جراحی می‌توان اصلاحش کرد، ولی اگر اخلاقش چپ بود هیچ جراحی در دنیا از پس‌اش بر نمی‌آید! به جرأت می‌توانم بگویم که انتخاب این دست جملات و توصیفات سالی، کار بسیار دشواری است، او با تمام وجودش می‌نویسد و نوشته‌هایش خود خود زندگی است! علاوه بر موارد گفته شده، در نامه‌های سالی همواره به زمان و مکان توجه می‌شود و این یکی از نکات

«چطور می‌توانم قطره قطره عشق و گرما و نور خورشید را به زندگی سرمزده بچه‌های کوچولویم تزریق کنم؟»

نوانخانه جان گریب و

جودی ابوت، یتیم راه یافته به دانشکده

را به خاطر دارید؟ خانم لیبیت بی‌رحم که چگونه کابوس شب‌های کودکان یتیم و بیچاره بود؟ اما خیالتان راحت! آن دوران تمام شده است. خانم لیبیت رفته و جودی ابوت، همسر جرویس پندلتون، به نوعی رئیس جان گریب شده است! آنها می‌خواهند نوانخانه را بازسازی و آن را تبدیل به مؤسسه‌ای نمونه کنند. در این میان، نامه‌ای به سالی مک براید، دوست صمیمی جودی، می‌رسد؛ پیشنهادی برای مدیریت نوانخانه!

داستان این کتاب در قالب نامه‌نگاری و از زبان اول شخص، یعنی خود سالی مک براید است. مخاطب اغلب نامه‌های سالی، جودی است ولی می‌بینیم که برخی از آنها نیز خطاب به گوردون هالوک سیاستمدار یا دکتر رابین مکرکی نوشته می‌شوند؛ ولی جواب هیچ‌یک از نامه‌ها در کتاب نیامده است و فقط با نامه‌های خود سالی روبه‌رو هستیم. با اینکه ما هرگز جواب نامه‌ها را نمی‌بینیم، اما با توصیفات جامع و دقیق سالی در نامه‌های بعدی، خودمان می‌توانیم از جواب‌ها تا حدی آگاه شویم؛ به حدی که شاید هرگز احساس نیاز به پاسخ نامه‌ها پیدا نکنیم. این توصیفات دقیق و جامع را می‌توان مهم‌ترین ویژگی نامه‌های سالی مک براید دانست. از سر تا پای ظاهر کودکان نوانخانه تا طعم دسر فرانسوی بلان مازن، همه چیز برای خواننده محسوس است. با دشمن عزیز می‌توان لحظه به لحظه زندگی کرد! شاید در اکثر نامه‌های سالی هیچ اتفاق خاص و هیجان‌انگیزی رخ ندهد، اما من به شخصه از شنیدن روزمرگی‌های او احساس خستگی نمی‌کرم. البته که در اوایل کتاب، علی‌الخصوص زمانی که آنها در تلاش برای بازسازی ساختمان نوانخانه بودند، کمی این توضیحات و جزئیات خسته‌کننده می‌شد، اما در کل این‌طور نبود و جذاب بود. گمان می‌کنم دلیل عمده این جذابیت، در



نوانخانه جان گریب و جودی ابوت، یتیم راه یافته به دانشکده را به خاطر دارید؟ حالا خانم لیبیت رفته و جودی ابوت، همسر جرویس پندلتون، به نوعی رئیس جان گریب شده است! آنها می‌خواهند نوانخانه را بازسازی و آن را تبدیل به مؤسسه‌ای نمونه کنند. در این میان، نامه‌ای به سالی مک براید، دوست صمیمی جودی، می‌رسد؛ پیشنهادی برای مدیریت نوانخانه!



«حالا برای هفته کتابخوانی چی کار کنیم؟» جمله‌ای است که در هر مدرسه‌ای از اوایل آبان شنیده می‌شود، برای هفته کتابخوانی می‌توان لیستی از کارهای کلیشه‌ای و تکراری تا کارهای پرزحمت و مفصل تهیه کرد اما در این مطلب می‌خواهیم یک برنامه جذاب و کم‌زحمت برای هفته کتابخوانی را به شما معرفی کنیم تا بدون هیچ فشار و استرسی به اهداف مطلوب خود برسید